ماجرای دزدهایی که مجبور شدند کالای دزدی خودشان را از دزد دیگری بخرند

بیرون‌کشیدن دست دزد از جیب دزدها!

گزارش

سعید جلائیان

صبح که مالک یک انتشاراتی در محدوده بولوار آموزگار به محل کارش رسید، متوجه شکسته شدن قفل کرکره و باز بودن در مغازه شد. او پس از ورود به محل کارش با جای خالی پرینتر و برگه های سفید و چاپ شده روی زمین مواجه شد. او برق مغازه اش را وصل کرد و دید هرچند کابل های برق یکی از سیستم هایش از پریز جدا شده، کامپیوترها سر جایشان هستند و تنها یک دستگاه پرینتر رنگی و پنکه جدیدی که امسال برای مغازه اش خریده، به سرقت رفته است. مالک این واحد صنفی بلافاصله با پلیس تماس گرفت و از سرقت اجناس مغازه اش خبر داد. در پی این گزارش، با دستور سرهنگ ابراهیم خواجه پور، رئیس کلانتری سجاد، تیمی از مأموران این کلانتری به محل سرقت اعزام شدند.

مأموران پس از حضور در محل، با بازبینی تصاویر دوربین های داخل و بیرون مغازه متوجه شدند که حوالی ساعت ۵ صبح، دو مرد جوان در مقابل این واحد صنفی ایستاده‌اند. در ادامه، آن ها مشغول دست‌کاری قفل کرکره های مغازه شدند. دقایقی بعد با باز شدن قفل مغازه، یکی از آن ها درحالی که می کوشید چهره اش را با لباس بپوشاند وارد مغازه شد. او در ابتدا به سراغ دستگاه پرینتر رفت و برای برداشتن پرینتر همه کابل های برق را از پریز جدا کرد و بعد با خالی‌کردن کاغذهای چاپ شده و سفید داخلش آن را از مغازه خارج کرد.

پنهان کردن لوازم بین شمشادها

چند ثانیه بعد، متهم دوباره به داخل برگشت و پنکه را از مغازه بیرون برد. دو متهم پنکه را میان شمشادهای بیرون مغازه گذاشتند و پرینتر را به اتفاق هم از آنجا بردند. در ادامه، مأموران دیدند پنج دقیقه پس از رفتن آن ها، مردی جوان با لباس‌کار در قاب دوربین ظاهر شد. این فرد حین تردد در پیاده رو، چشمش به پنکه وسط شمشادها افتاد و با نگاهی به خیابان، پنکه را برداشت و با خود برد. هرچند مأموران و مال باخته تصور می‌کردند که این مرد جوان با متهمان در ارتباط است، دقایقی بعد با بازگشت متهمان به محل این فرضیه رد شد.

در ادامه بررسی تصاویر دوربین ها، مأموران دیدند متهمان برای برداشتن پنکه به محل بازگشتند، اما با جای خالی پنکه روبه رو شدند. دو متهم هرچه اطراف را گشتند، رد و نشانی از پنکه پیدا نکردند و در ادامه از قاب دوربین خارج شدند. تیم تحقیق با استفاده از اشراف اطلاعاتی و تحقیقات میدانی، موفق به شناسایی متهمی شد که پنکه را برداشته بود. مأموران متهم را با هماهنگی مقام قضایی دستگیر کردند. هرچند متهم منکر انجام هرگونه جرمی بود، پس از انتقال به کلانتری و مشاهده تصاویر دوربین های مداربسته اعتراف کرد: ساعت ۵ صبح بود و داشتم به محل کارم می رفتم که ناگهان متوجه پنکه وسط شمشادها شدم. تصور کردم پنکه خراب است و صاحبش آن را بیرون انداخته است. برای همین آن را برداشتم.

دزدها پنکه را خریدند!

متهم که نگران آبرویش بود، در پاسخ به این سؤال که پنکه را چه کرده است، گفت: پس از برداشتن پنکه، داشتم به سمت محل کارم می رفتم که در یک فضای سبز به سرویس بهداشتی رفتم. لحظاتی بعد وقتی از سرویس بهداشتی خارج شدم، دو مرد جوان را دیدم که پنکه را برداشته اند و می خواهند ببرند. من که مطمئن بودم این پنکه ارتباطی با آن ها ندارد، پنکه را از آن ها گرفتم. آن دو نفر در ابتدا گفتند که این پنکه متعلق به خودشان است و من آن را دزدیده‌ام. این حرف مرا عصبانی کرد و من به خاطر لج بازی حاضر نشدم پنکه را به آن ها بدهم. این دو جوان شروع به تهدید کردند که من گفتم به پلیس زنگ می زنم. پس از حدود ۱۰ دقیقه مشاجره، یکی از آن ها گفت که پنکه را می خریم؛ چند می فروشی؟ من هم گفتم یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان. یکی از آن ها همان جا پول را با تلفن همراهش به حساب من واریز کرد و من پس از دریافت پیامک واریز، پنکه را به او دادم.

عکس تزیینی است

در ۱۰ دقیقه از ما دزدی شد

باتوجه به این اعتراف، تیم تحقیق هم زمان به بررسی حساب متهم پرداخت. در این بررسی مشخص شد که ساعت ۵:۳۰ صبح، فردی به نام مهدی به حساب متهم پول واریز کرده است. مأموران با این سرنخ توانستند متهم اصلی را شناسایی و محل اختفای او را ردیابی کنند. تیم تحقیق در ادامه رسیدگی به این پرونده، با هماهنگی مقام قضایی، این فرد را در یک عملیات ضربتی دستگیر و به کلانتری منتقل کرد. متهم در بدو ورود به مقر پلیس، هیچ مقاومتی نکرد و حتی بدون مواجهه با مستندات پلیس، بیشتر اتهاماتش را به جز شکستن قفل مغازه پذیرفت.

متهم در بازجویی مدعی شد: آن روز من به همراه یکی از دوستانم با خودروی شخصی دور می زدیم. خودروی خود را در محدوده بولوار دانش آموز پارک کردم تا در خیابان آموزگار با هم قدم بزنیم. در حین قدم زدن متوجه شدیم قفل های کرکره انتشاراتی باز است. دوستم، حمید، بیرون مغازه ایستاد و من وارد آنجا شدم. اولین چیزی که دیدم یک دستگاه پرینتر بود و با اینکه سنگین بود، آن را به سختی از مغازه خارج کردم. بعد به داخل برگشتم و یک دستگاه پنکه برداشتم. خودروی ما از محل این انتشاراتی فاصله زیادی داشت، به همین خاطر پنکه را داخل شمشادها گذاشتیم و پرینتر را با خودمان دونفری تا محل پارک خودرو بردیم. متهم ادعا کرد: حدود ۱۰ تا ۱۵ دقیقه بعد ما برای برداشتن پنکه به آنجا برگشتیم، اما دیدم پنکه نیست. خیلی تعجب کردیم که چطور در این مدت کم پنکه به سرقت رفته است. در همان محدوده دور زدیم تا اینکه پنکه را در یک فضای سبز پیدا کردیم. من رفتم پنکه را بردارم که فردی دیگر مانعم شد. من ابتدا می خواستم به زور و تهدید پنکه را از او بگیریم، اما متهم دیگر حاضر نبود پنکه را بدهد. حتی به او گفتم پنکه را از من دزدیده اند، اما باز هم کوتاه نیامد. در آخر، وقتی دیدیم او ممکن است توجه دیگران را جلب کند و دردسر شود، به پیشنهاد دوستم پنکه را از او خریدیم. من از حساب خودم برای این فرد یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان واریز کردم.

متهم در ادامه اعترافاتش مدعی شد: «همدستی که همراه من بود هیچ نقشی در این سرقت نداشت. او حتی وارد مغازه نشد و من به تنهایی این کار را کردم.» پس از تکمیل مستندات پلیس درباره این پرونده، متهمان به دادسرا ارجاع داده شدند.

خبر

با تلاش پلیس و هوشیاری اهالی یک ساختمان

سارق بام‌های شهر دستگیر شد

سعید جلائیان| با پایان فصل تابستان، هواکمی روبه سردی رفته است و به طبع اولین واکنش شهروندان خاموشی کولرها و فراموشی این وسایل سرماساز است؛ اما برخی شیادان با فراموشی شهروندان، تازه دست به‌کار می‌شوند و به بهانه های مختلف، بدون اطلاع صاحب خانه ها، با نفوذ به پشت بام مجتمع های مسکونی، موتور کولرها را به راحتی سرقت می‌کنند؛ البته دزدها خاطرشان جمع است که بیشتر مال باخته ها تا فصل گرما متوجه سرقت نمی شوند و به اصطلاح آب از آب تکان نمی خورد. اما برخلاف این تصور، یک مال باخته هنگامی که برای جمع‌کردن موتور و پمپ آب کولر روی بام رفته بود، متوجه موضوع شد. در این پرونده پدر خانواده پسر نوجوانش را برای تخلیه آب کولر به پشت بام فرستاده بود تا مقدمات جمع‌کردن پمپ و موتور را مهیا کند، اما پسر نوجوان به محض رفتن روی بام متوجه باز بودن دریچه های کولر شد. او بلافاصله پدرش و دیگر ساکنان مجتمع را مطلع کرد. با حضور ساکنان هر پنج واحد مسکونی در پشت بام مشخص شد که فرد یا افرادی با نفوذ به پشت بام، موتور کولرهای پنج واحد را سرقت کرده اند. ساکنان با پلیس تماس گرفتند و سرهنگ عباس عطایی، رئیس کلانتری کوی پلیس، با صدور دستورات تخصصی، تیمی از مأموران دایره تجسس را به محل اعزام کرد.

پس از حضور مأموران در محل، توجه تیم تحقیق به دوربین مداربسته ورودی ساختمان جلب شد. در بازبینی تصاویر دوربین های مداربسته این ساختمان، مأموران موفق به مشاهده تصاویری شدند که نشان می داد مردی جوان در حین پرسه زنی در اطراف مجتمع، با توجه به باز بودن در ورودی ساختمان، بسیار عادی وارد ساختمان شده است. مرد جوان خیلی ساده وارد ساختمان شد، به‌گونه ای که نخست تصور می شد شاید او مهمان یا ساکن همین ساختمان است. دقایقی بعد با مشاهده دوباره این مرد جوان در قاب دوربین، تردیدها از بین رفت. متهم حدود ۱۰ دقیقه پس از اینکه وارد مجتمع شد، با یک گونی سفید به سرعت از ساختمان خارج شد.

شناسایی متهم با چاقوی خطرناک

در ادامه رسیدگی به این پرونده، تیم تحقیق تصاویر به دست آمده از متهم را در اختیار واحدهای گشت پلیس قرار داد و هم زمان با استفاده از تجهیزات نوین پلیس، تلاش گسترده ای را برای شناسایی متهم آغاز کرد. تلاش تیم تحقیق ادامه داشت تا اینکه چند ساعت پس از اعلام این سرقت، یکی از گشت های کلانتری کوی پلیس متهم را حین پرسه زنی در محدوده ایستگاه استقبال از زائر شناسایی و دستگیر کرد. متهم در ابتدا منکر هرگونه جرمی شد و ادعا کرد: «من یک کارگر ساختمانی هستم و الان در مسیر بازگشت از سر کار هستم.» متهم منکر انجام هرگونه جرمی می شد، اما مأموران در بازرسی بدنی از او یک قبضه چاقوی ۲۵ سانتی متری و مقادیری مواد مخدر کشف و ضبط کردند.

پس از انتقال متهم به‌کلانتری، او باز هم منکر انجام هرگونه جرمی شد و همچنان خودش را یک کارگر معرفی می کرد؛ ادعاهایی که پس از مواجهه با تصاویر دوربین مداربسته مجتمع پایان گرفت. متهم پس از مشاهده تصاویری که نشان می داد او پس از ورود به یک مجتمع مسکونی با یک کیسه بزرگ خارج می شود، اعتراف کرد وگفت: بله، قبول دارم که من وارد ساختمان شدم. بعد هم از طریق پلکان ساختمان به پشت بام رفتم و موتورهای کولر را دزدیدم. وقتی متهم متوجه شد پلیس درباره جرائم احتمالی دیگر او نیز تحقیق می‌کند، در ادامه بازجویی مدعی شد: شاید ۷ یا ۹ دستگاه موتورکولر دیگر در این چند روز دزدیده باشم. آن ها را به یک مال خر در محدوده شهرک شهید رجایی فروختم. از میان مال باختگان، تنها صاحبان همین پنج موتور کولر متوجه سرقت شده بودند و بقیه مال باخته ها هنوز از دزدیده شدن موتورهای خود بی اطلاع بودند. تلاش پلیس برای شناسایی مال باختگان دیگر ادامه دارد.

عکس تزیینی است

جدول ۴۶۷۲

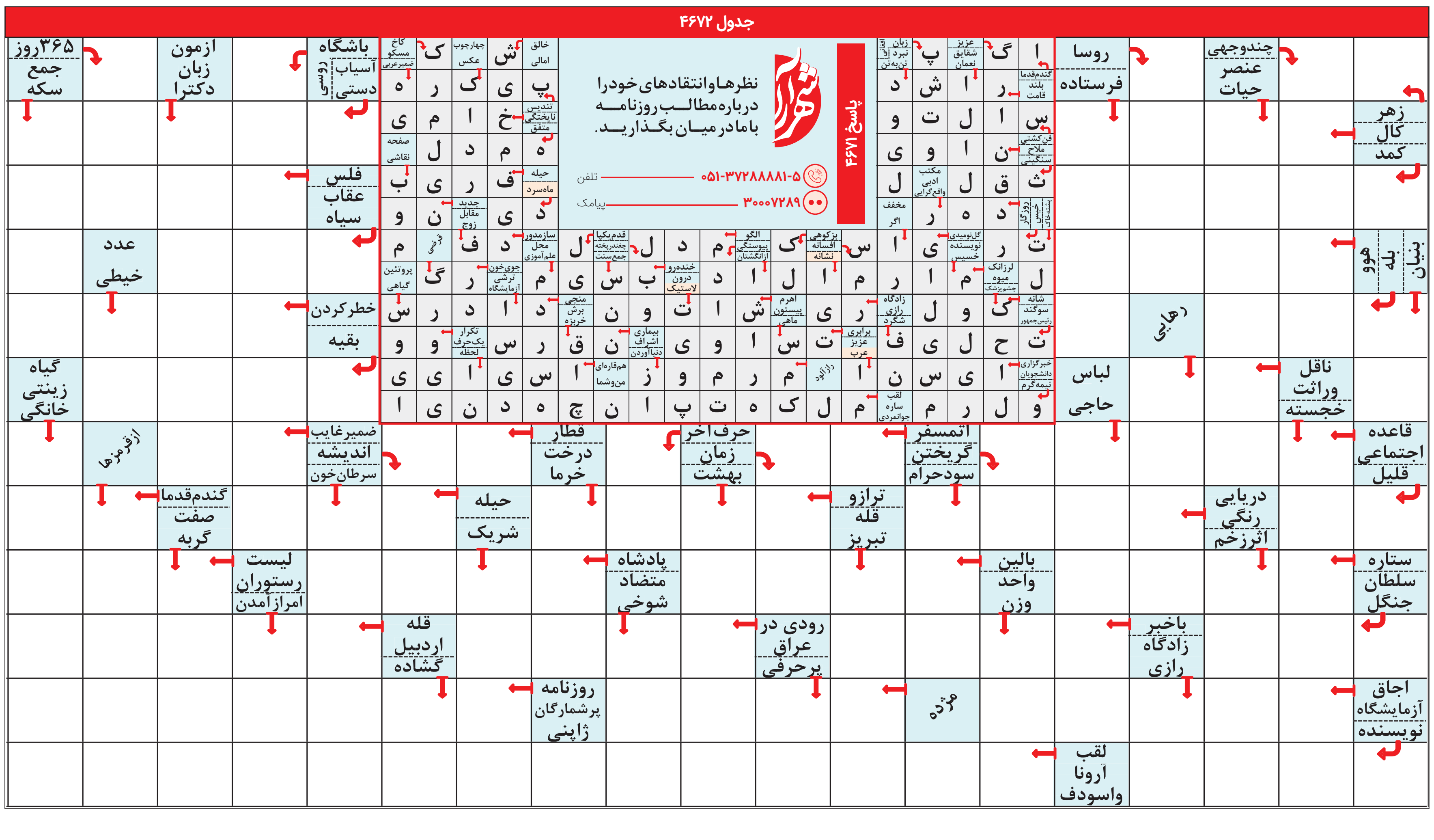

نظرها و انتقادهای خود را درباره مطالب روزنامه با ما در میان بگذارید.

تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹

۱۱۵

۲ تصادف و ۸ مصدوم در روزهای پایانی هفته

سهیل دیبا| در روزهای پایانی هفته حوادث زیادی در مشهد رخ داده است که سوانح رانندگی پایه ثابت آن ها بوده است. در دو حادثه ای که امدادگران اورژانس به میدان آمدند و به مصدومان این سوانح امدادرسانی کردند، هشت مصدوم در محل درمان شدند یا به بیمارستان ها انتقال یافتند. به‌گفته مدیر روابط عمومی اورژانس مشهد، پیش از ظهر دیروز با اعلام تصادف یک پراید و تیبا، کارشناسان اورژانس پزشکی با دو دستگاه آمبولانس راهی محل واقع در بزرگراه آسیایی -یک کیلومتر بعد از پل گلبهار- شدند. در این حادثه پنج سرنشین دو خودرو مصدوم شده بودند که یک نفر به صورت سرپایی مداوا و پنج مصدوم دیگر به بیمارستان ثامن الائمه(ع) چناران منتقل شدند. محمد علیشاهی درباره حادثه دوم که بامداد دیروز در تقاطع طبرسی جنوبی و شیخ صدوق (چهارراه برق) رخ داده بود، گفت: در این سانحه دو موتورسیکلت به دلایل نامشخصی با یکدیگر برخورد کرده بودند. سه مصدوم این سانحه رانندگی نیز با دو دستگاه آمبولانس به بیمارستان هاشمی نژاد تحویل داده شدند. مدیر روابط عمومی اورژانس مشهد افزود: خوشبختانه در این سوانح هیچ فردی جان خود را از دست نداده بود.

روی خط حادثه

فرجام‌خواهی کلثوم اکبری رد شد

تابناک| با رد فرجام خواهی کلثوم اکبری، پرونده این زن به مرحله اجرای حکم رسید. پس از تأیید نهایی رأی دادگاه کیفری یک مازندران توسط دیوان عالی کشور، کلثوم‌کبری در برابر حکم ۱۰ بار قصاص نفس قرار گرفته است. اگرچه حکم صادرشده قطعی است، اجرای آن مستلزم طی مراحل اداری و قضایی خاص از جمله «استیذان» است؛ باوجوداین پرونده او برای انجام مراحل قانونیَ پیش از اجرای حکم، به دادگستری استان مازندران بازگشته است. کلثوم اکبری قاتلی سریالی است که به اتهام قتل یازده شوهرش در استان مازندران بازداشت شده بود. این زن پس از آنکه در شهریور ۱۴۰۲ به ظن دست داشتن در مرگ همسر ۸۲ ساله‌اش بازداشت شد به قتل ۱۰ نفر دیگر در بیست سال اعتراف کرد. کلثوم اکبری در اعترافاتش مدعی شد با حضور در گعده های زنانه، از زندگی‌اش و اینکه تمایل دارد به ازدواج موقت مردی سال خورده که تنها زندگی می‌کند در بیاید، سخن می‌گفت. او به‌این‌ترتیب با افرادی که برای پدر سال‌خورده و تنهایشان به‌دنبال همدم می‌گشتند آشنا می‌شد. کلثوم پس از اطمینان از اینکه سوژه مورد نظرش ثروت زیادی دارد به‌شرط دریافت مهریه در قالب پول نقد یا مِلک به عقد او درمی‌آمد و در کمتر از سه ماه با شگردهایی از قبیل خوراندن دارو و خفه‌کردن، شخص را به قتل می‌رساند.

جهان حوادث

۲۸ کشته در حادثه آتش‌گرفتن اتوبوس

ایسنا| منابع خبری اعلام کردند در پی تصادف یک دستگاه اتوبوس مسافربری با یک کامیون در شرق تانزانیا، اتوبوس آتش گرفت و ۲۸ نفر جان باختند. این حادثه شامگاه پنجشنبه در منطقه «مکامبارانی» و در مسیر بزرگراهی به سمت «دارالسلام» رخ داده است. شاهدان عینی می‌گویند کامیون، حامل الوار بوده و اتوبوس پس از این برخورد، دچار آتش سوزی شده و به طور کامل در آتش سوخته است. مقامات محلی علت این حادثه را متوجه راننده کامیونی که هویتش هنوز مشخص نشده است، دانسته اند. او تلاش کرده بود بدون رعایت احتیاط های لازم از سایر وسایل نقلیه سبقت بگیرد که این اقدام منجر به برخورد شاخ به شاخ با اتوبوس شد.

ریزش مرگ‌بار یک ساختمان در ترکیه

ایلنا| بامداد پنجشنبه‌گذشته یک ساختمان هفت طبقه در منطقه «مال تپه» استانبول فرو ریخت. به‌گفته مقامات محلی، این ساختمان در سال ۱۹۸۷ ساخته شد و در ابتدا پنج طبقه داشت، اما بعدا دو طبقه دیگر به صورت غیرقانونی به آن اضافه شد. در این حادثه پنج نفر جان باختند و ۱۰ نفر نجات یافتند. تحقیقات درباره این حادثه توسط بازرسان در جریان است و در پی تصمیم آن ها، معمار طراح ساختمان و ناظر ساخت وساز بازداشت شده اند.

درگیری زندانیان در مکزیک با ۱۰ کشته

صدا و سیما| مقام های مکزیک اعلام کردند که در پی وقوع درگیری در زندانی در ایالت سینالوای ۱۰ نفر کشته و شانزده تن دیگر زخمی شدند. این درگیری در پی نزاعی در داخل محوطه زندان رخ داده است، اما جزئیات بیشتری درباره علت این خشونت اعلام نشده است. ۹ زندانی و یک نوجوان که برای ملاقات آمده بود کشته شدند.